

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیریت علمی و چاپ: اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

مدیریت فنی و پشتیبانی: معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه

امام صادق علیه السلام، تلفکس: ۸۸۰۹۴۹۱۵ - ۰۲۱

مدیر مسئول: دکتر سید محمد مهدی غمائی

سردبیر: علیرضا عقیلی بهنام، طراح: امیرحسین صمدی

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه

امام صادق علیه السلام، صندوق پستی: ۱۵۹-۱۴۶۵۵



اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

فصلنامه فصلنامه حقوق بشر

ویژه‌نامه اول: انتخابات - سال ۱۴۰۲

ویژه نامه انتخابات

مبلغ: ۵۰۰.۰۰۰ ریال | ۳۱ صفحه رقومی

دکتر سید محمد مهدی غمائی

رئیس اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



سازکارهای افزایش مشارکت مردم در حکمرانی و انتخابات

۱. مطابق اصول ۳، ۶ و ۵۶ قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مشارکت مردم و حل مسائلی آنها و عدالت‌ورزی بنیان نهاده شده است. کما اینکه اصل ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: "در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به استکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر آنها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد." بنابراین آنچه برای نظام حکمرانی ایران مبتنی بر قانون اساسی مهم است مشارکت مردم و تضمین حقوق آنها از جمله حقوق سیاسی ایشان وفق اصول ۲۰ و ۲۲ است.

۲. برای آنکه امکان مشارکت مردم در عرصه حکمرانی فراهم شود انتخابات پرشور، رقابتی و شفاف یکی از سازوکارها است و البته این سازوکار تنها مسیر مشارکت نیست و باید بجای مشارکت‌های مقطعی، روش‌های مستمری برای آخذ و اثرگذاری نظرات مردم، فعالان اجتماعی و اقتصادی، و نخبگان لحاظ کرد. از جمله این مشارکت‌خواهی‌ها، جمع‌سپاری (Crowd Law) قوانین و مقررات است که با وجود الزام قوانین متعددی از جمله قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم، آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و ... در عمل مسائل و راهکارهای حل با همکاری حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نخبگان طراحی نشده است.

۳. یکی از محورهای مشارکت مردم، یا هر قالبی، حل مسئله‌های مردم و ایجاد رضایت عمومی و تحقق حقوق و آزادی‌های مشروع مردم است. بر این اساس وقتی قاطبه مردم، انتخابات و سایر ابزارهای جلب مشارکت را در راستای حل مسئله‌هایشان ببینند، آن زمان امید بیشتری برای مشارکت و تحول و اصلاح امور وجود خواهد داشت. چراکه سعی می‌کنند مسئله‌های خود را اولویت‌بندی و افرادی را که دارای ایده و راه حل‌های منطبق‌تری با آن مسئله هستند، در فهرست انتخاب خود قرار دهند.

۴. مشارکت خواهی باید مسئله محور باشد. در غیر اینصورت با کلی‌گویی‌هایی همانند حل مشکل مسکن، معیشت، افزایش یارانه، کاهش بیکاری، تسهیلات خودرو و ... دیگر نمی‌توان جذب کرد. بنابراین وعده‌های کلی، بدون رویکرد خلاقانه و دقیق، انگیزه بخشی چندانی در پی ندارد، بویژه آنکه چون نخبگان علمی، اجتماعی و سیاسی و ... موتور مشارکت هستند و اگر مسئله‌ای را برای مشارکت مؤثر پیدا نکنند و یا راه حل‌های موجود را تأیید نکنند، انگیزه‌ای برای بخش مهمی از مردم وجود نخواهد داشت. بنابراین جمع‌سپاری مستمر مسائل و راهکارها با نخبگان بویژه با وجود پیشرفت‌های پرشتاب فناوری اطلاعات، لازم است هدف‌گذاری عملیاتی شود و البته دولت از ظرفیت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی (۱۴۰۱/۶/۳۰) و ماده ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (۱۴۰۱/۲/۵) و ... بدون امکان هرگونه تخطی برخی نهادهای شفافیت‌گرایز استفاده بیشتر و مؤثرتر نماید.

۵. مسئله محوری برای مشارکت در هر مقام، متفاوت است. در عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی، مسئله‌ها باید براساس وضع و بروزسانی قانون جهت حل مشکلات و اعمال نظارت بر اجرای

قانون مورد توجه قرارگیرد. بنابراین احزاب، نامزدها، کانون‌های فکر، حلقه‌های میانی، اندیشکده‌ها و جریان‌های مؤثر لازم است برنامه‌هایی مدون، عینی و منطبق بر مسئله‌های درک شده مردم ارائه و اعلام کنند که چگونه آنها بیشتر از دیگران می‌توانند مسائل مردم را حل کنند. تاکنون برنامه‌هایی از طرف کنشگران اصلی سیاسی، در این خصوص در عرصه عمومی، در دسترس مردم و افراد مرجع قرار داده نشده است.

۶. مشارکت مردم، علاوه بر داشتن دغدغه و مسئله و راهکار، مستلزم اعتقاد به امکان جدی تحقق و اجرای پیشنهادات و ایده‌ها، هموار کردن مسیر و عرضه شایستگیان و دارندگان اندیشه تحول و بهبود دارد.

۷. در پایان، قانونگذاری سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری (ابلاغی ۱۳۹۸) می‌تواند اعتبار مجلس را ارتقاء و آن را به سطح اثرگذار و در تراز قانون اساسی برساند. بدین ترتیب است که مردم امیدوار به نتیجه مشارکت شده و البته امکان حل مسئله‌ها توسط مجلس نیز فراهم شود.

دکتر حسین رفسنجانی مقدم

مدیر کل تدوین قوانین مجلس شورای اسلامی



سازکارهای برگزاری انتخابات پرشور

بلاشک هیچ یک از چالش‌های پیش روی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران لاینحل نبوده و قطعاً قابل مدیریت است. آنچه که برخی موضوعات را چالشی می‌سازد؛ عبارت از دور شدن دوستان عاقل از صحنه مدیریت و تصمیم‌گیری در نظام است. عقل و درایت البته همراه با شرط اولیه آن یعنی دلسوزی و اعتقاد به اولیات و مبانی انقلاب حتماً راهگشای بسیاری از مشکلات است. ناگفته نماند که برخی از مؤمنان به انقلاب که دارای نعمت عقل هم بوده‌اند: به دلیل آفت‌های متنوع از جمله جاه‌طلبی و همچنین ملوث شدن به چرب و شیرین دنیا قوه عاقله خود را از دست داده‌اند؛ همانطور که در روایات تأکید شده که گناه و نافرمانی خداوند باعث تضعیف عقل و از بین رفتن حکمت‌های خدادادی است.

یکی از چالش‌های امروز ما مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی است و برخی از راه‌های پرشور شدن انتخابات عبارت است از:

۱- تأیید حداکثری کاندیداهای انتخابات: هرچند در زمان کنونی این موضوع منقضی شده و شورای نگهبان فرآیند بررسی صلاحیت کاندیداهای را به پایان رسانده است؛ ولی از قرار مسموع این شورا به این موضوع توجه داشته و به درستی تشخیص داده که تأیید حداکثری داوطلبان یکی از مهمترین عوامل افزایش مشارکت و ایجاد انگیزه برای حضور مردم در پای صندوق‌های رأی است. ناگفته پیداست که این موضوع قطعاً باید با رعایت خطوط قرمز باشد و به هیچ وجه نباید افرادی که عناد آنها با جمهوری اسلامی ایران مسلم است تأیید صلاحیت شوند.

۲- تلاش حرفه‌ای صدا و سیما در ایجاد انگیزه مردم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران همیشه به عنوان محوری‌ترین و مؤثرترین رسانه در جذب قاطبه مردم دوستدار انقلاب و همچنین افراد موسوم به قشر خاکستری جامعه بوده است و در حال حاضر نیز مشروط به حرفه‌ای عمل کردن می‌تواند ایفای نقش نماید. بدیهی است بیان موفقیت‌های دولت کنونی و بالاتر از آن به تصویر کشیدن دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران نقش به‌سزایی در تحقق افزایش مشارکت خواهد داشت. در کنار این موضوع رصدکردن مستمر توپخانه رسانه‌های دشمن و تدوین

برنامه‌های صوتی و تصویری جذاب در پاسخ به شبهات رسانه‌های بیگانه و ارائه آنها در رادیو و تلویزیون بسیار ضروری است.

۳- هوشمندی کارگزاران نظام: شاید برخی تصور کنند با اقدامات جذاب اقتصادی از قبیل کنترل قیمت دلار و قیمت کالاها اساسی در آستانه انتخابات انگیزه مردم برای شرکت در انتخابات افزایش پیدا می‌کند؛ ولی این امر به تنهایی تأثیر بسیار اندکی در پی خواهد داشت. مهم‌تر از این موضوع ضرورت هوشمندی کارگزاران نظام اعم از بدنه قوه مجریه است. بدین معنا که همه مسئولان نظام اعم از دولت و مجلس و قوه قضاییه در تمام ایام سال به ویژه چند ماه منتهی به انتخابات باید مراقب آنچه به زبان می‌آورند بوده و مهم‌تر از مراقبت در گفتار محاسبه آثار و نتایج تصمیمات خود را داشته باشند. بسیاری از تصمیمات نابخوابی مسئولان و حتی برخی از بیانات نسنجیده آنان می‌تواند در کاهش مشارکت مردم مؤثرتر از تبلیغات دشمن باشد.

عوامل و راهکارهای افزایش مشارکت مردم در انتخابات محدود به این مقال نبوده و مشارکت دادن عقلای قوم در سطح مدیریت کلان از جمله افزایش صداقت مسئولان و وادار کردن آنان به عذرخواهی از مردم در موارد لازم می‌تواند اعتماد مردم و به تبع آن مشارکت مردمی را افزایش دهد.

دکتر محمد صادق نصراللهی

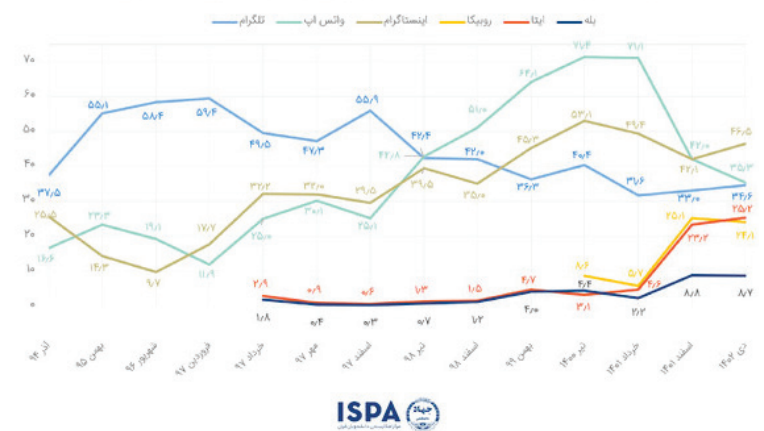
دانشیار گروه فرهنگ و حکمرانی، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)



هم‌افزایی شبکه‌های اجتماعی بومی و انتخابات مجلس دوازدهم در پیچ تاریخی اجتماعی-سیاسی کشور

مروری بر شرایط کلان اجتماعی و سیاسی جامعه ایران نشان می‌دهد که وضعیت شبکه‌های اجتماعی بومی از یک طرف و وضعیت مشارکت سیاسی از طرف دیگر، در حالی ویژه و خاص و حتی می‌توان گفت شبه بحرانی قرار دارند، که توجه عاجل و البته هم‌زمان به هر دو را می‌طلبد. اگرچه پس از پالایش واتساپ و اینستاگرام در مهر ۱۴۰۱، شاهد روند رو به رشد اقبال عمومی به شبکه‌های اجتماعی بومی بوده‌ایم - به عنوان نمونه استفاده از اینستا، از ۴/۶ درصد در خرداد ۱۴۰۱ به ۲۵/۲ درصد در دی ۱۴۰۲ رشد یافته -، اما روند پژوهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که با وضعیتی متزلزل مواجه هستیم؛ به طوری که بسته به کیفیت اعمال محدودیت نسبت به پالایش گریزها، روند به کلی تغییر کرده تا آنجا که طبق نظرسنجی ایسپا، از اسفند ۱۴۰۱ این روند کند شده، بلکه در مواردی معکوس شده است. بنابراین، وضعیت شبکه‌های اجتماعی بومی در ایران کماکان ناپایدار و در حالتی در حال گذار و تثبیت نشده است.

روند میزان استفاده مردم ایران از رسانه‌های اجتماعی



از طرف دیگر، همین ناپایداری و تزلزل نیز درباره مشارکت مردم در انتخابات پیش روی مجلس مطرح است. آخرین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که مشارکت تا پیش از شروع تبلیغات انتخاباتی مجلس زیر ۵۰ درصد (حدود ۴۰ درصد) است که به هیچ عنوان قابل قبول نیست و نیاز به توجه ویژه دارد. اگرچه دو پدیده مذکور از وضعیت ناپایدار و

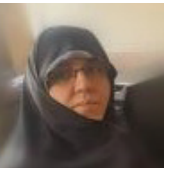
تثبیت‌نشده رنج می‌برند، اما به نظر می‌رسد این اتفاق، تهدیدی است که به شدت استعداد تبدیل شدن به یک فرصت را دارد و شبکه‌های اجتماعی بومی و انتخابات در یک رویکرد متعامل می‌تواند نجات‌دهنده یکدیگر بلکه پیش‌برنده یکدیگر در این پیچ تاریخی باشند.

ایده اصلی این یادداشت آن است که در عصر فضای مجازی که موسوم به عصر همگرایی نیز است، هم‌افزایی شبکه‌های اجتماعی بومی و آوردگاه انتخابات دوازدهمین دوره مجلس، می‌تواند مصداقی از همگرایی ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی باشد. شبکه‌های اجتماعی را نوعی ارتباط اجتماعی نه جمعی می‌دانند؛ بدان معنا که بخش قابل توجهی از ارتباطات روزمره انسان به شکل چند سوپیه و متعامل در این زیست بوم رخ می‌دهد. انتخابات هم مصداق مهمی از ارتباطات سیاسی است، بدان معنا که یک آیین سیاسی مترکم و پویای ارتباطی آحاد جامعه است که ارتباطات اجتماعی روزمره را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. یک زمانی، تقارب ارتباطات اجتماعی و سیاسی در آوردگاه انتخابات در قالب آئین‌ها، کارناوال‌ها و انبوه‌های خلق میدانی فیزیکی رخ می‌داد و می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که در عصر فضای مجازی، بخش قابل توجهی از آئین‌های سیاسی انتخاباتی در سپهر فضای مجازی و زیست بوم شبکه‌های اجتماعی قابل تعریف است. از همین روست که ادعا می‌شود که کنشگری شبکه‌های اجتماعی بومی، ضمن آنکه می‌تواند تنور انتخابات را گرم کند، خود فرصتی برای ارتقای جایگاه این شبکه‌ها در سبب مصرف‌کاربر ایرانی است.

کلان راهبرد «فعال‌سازی ظرفیت شبکه‌های اجتماعی بومی جهت ارتقای مشارکت سیاسی عمومی» را می‌توان مصداقی از ارتباطات سیاسی اجتماعی شده دانست که به شدت نافذ و دارای ضریب تأثیر بالا است. از یک طرف، در شبکه‌های اجتماعی بومی، امکانات فراوان و جذابی برای تبلیغات انتخاباتی وجود دارد. شاید ایجاد کانال یا بخش زنده، ساده‌ترین امکانات این زیست بوم است. مواردی همچون پویش‌های انتخاباتی، نظرسنجی، پرسش و پاسخ و ... سفره رنگینی است که پیش روی کاندیداها در سپهر فضای مجازی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، پویایی انتخاباتی می‌تواند روح تازه‌ای را در شبکه‌های اجتماعی بومی بدمد و پارامترهای مختلف تعداد کاربر فعال و میزان استفاده را به شکل محسوس ارتقاء دهد. در نهایت اینکه این نسخه اجتماعی-سیاسی در مقابل نسخه‌های بدیلی همچون ایجاد ۲۰۰ شبکه تلویزیونی، هم جدیدتر است، هم کم هزینه‌تر، هم جذاب‌تر و هم مؤثرتر که لازم است در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد.

دکتر مریم احمدی نژاد

عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا(س)، وکیل پایه یک دادگستری



رأی هر ایرانی، تضمین امنیت ملی

روی سخنم با هم‌وطنانی است که به دلیل مشکلات و نابرابری‌هایی که دیده‌اند، قصد رأی دادن ندارند. چه بخواهیم چه نخواهیم همه ما ایرانی‌ها در کشتی بزرگ انقلاب اسلامی ایران سوار شده‌ایم. علی‌رغم همه نقص‌ها، کاستی‌ها، مشکلات داخلی و تحریم‌های خارجی، دشمنی‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی، کشتی انقلاب با شتابی منحصر به فرد پیش می‌رود. اگرچه به قول رهبر انقلاب هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم، لکن به سمت قله به پیش می‌رویم. در این

بین، انتخابات به عنوان یک امر مهم در نمایش همبستگی ملی جامعه ایرانی و نمایانگر اقتدار ملی ما به جهان، خصوصاً به دشمنان ایران است. دشمنانی که از دیرباز خصومتشان نسبت به ایران و ایرانی اثبات شده و حتی پیش از پیروزی مردم ایران در به ثمر نشستن انقلاب اسلامی، بارها و بارها تاریخ دشمنی‌شان را به جامعه ایرانی در ماجراهای کشتار و قحطی انگلیسی در جریان جنگ جهانی اول تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ... ثبت نموده است. این در حالی است که، هم‌اکنون در شرایط ملتهب خاورمیانه، و تداوم جنگ در غزه که منجر به کشتار بی‌سابقه غیرنظامیان غزه توسط رژیم سفاک اسرائیل و حامیان غربی‌اش از جمله دولت امریکا شده است؛ اصرار و حمایت تمام‌قد این کشورها از عدم شرکت ملت ایران در انتخابات اهداف شومی را دنبال می‌کند. پرسشی که ذهن را به خود مشغول می‌کند این است که، دشمنانی که ریشه تمام قیام‌های مردمی خاورمیانه را در مدل ارائه‌شده توسط انقلاب اسلامی می‌دانند، آیا جز به منافع خودشان در ایران به‌عنوان چهارراه جهان و نسخه بی‌بدیل بیداری اسلامی ملت‌ها توجه دارند؟ خیر، دشمن نیز به‌خوبی می‌داند که یکی از کارکردهای انتخابات پرشور در کشور، تضمین امنیت و خنثی کردن نیت‌های شوم او از کشور است. لذا بر هر ایرانی خواه شیعه باشد یا سنی، اهل کتاب باشد یا مسلمان، اصولگرا و یا اصلاح‌طلب، از هر حزب یا گروهی باشد، واجب و ضروری است برای حفظ امنیت و قطع طمع بیگانگان از کشور در انتخابات پیش رو شرکت نمایند.

دکتر علی ربیع زاده

قائم مقام اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



چالش حق مشارکت سیاسی: به نام مخالفان، به کام داوطلبان!

در سال‌های گذشته عوامل بسیاری از جمله مشکلات اقتصادی، چالش‌های حکمرانی و جنگ اقتصادی و رسانه‌ای تمام‌عیار، افکار عمومی مردم ایران را نسبت به موضوعاتی همچون رضایت‌مندی سیاسی، مشارکت سیاسی و عملکرد نظام سیاسی دستخوش تغییرات بسیاری نموده است. سوالات، مطالبات، انتقادات و بعضاً اعتراضات عمومی بخشی از این تغییرات است که در برخی موارد حق مشارکت سیاسی را با موانعی از جمله کاهش میزان مشارکت در برخی اقصا و مناطق مواجه ساخته است.

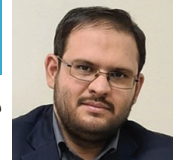
روی دیگر این سکه، تغییر کنشگری سیاسی در زمینه نصاب احراز سمت نمایندگی است، با توجه به اینکه در فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی، کسب اکثریت نسبی آراء برای احراز سمت نمایندگی کافی است، از یک سو افزایش یا کاهش تعداد رأی‌دهندگان نقش مستقیمی در کسب این اکثریت ندارد، اما از سوی دیگر نصاب عددی و شخصی میان داوطلبان را در مجموع آراء مأخوذه تغییر می‌دهد چرا که امکان احراز سمت نمایندگی را با آراء بسیار کم برای داوطلب فراهم می‌کند. دعوت مردم برای مشارکت عمومی افزایش رقابت سیاسی و تلاش برای استیفای حق مشارکت سیاسی همواره با افزایش نظارت مردم، تلاش بیشتر داوطلبان برای جلب نظر افکار عمومی و صد البته افزایش اتقان طرح‌ها و وعده‌های انتخاباتی داوطلبان و توجه ویژه آنها به مشکلات واقعی و عینی کشور همراه است. اما امری که حقوق عمومی و حقوق شهروندی را در این زمینه تهدید می‌کند، تأثیر پنهان و البته مطلوب کاهش مشارکت عمومی برای برخی داوطلبان به انگیزه پایین نگاه داشتن نصاب، تلاش برای جلب نظر و رأی اقصا و خاص و عدم احساس نیاز به ارائه طرح‌ها و برنامه‌های عمومی برای رقابت تخصصی است!

توجه به این نکته پنهان و دارای ظرافت، هوشمندی و دقت نظر بسیاری می‌طلبد و اینجاست که مردم شریف و نخبگان متعهد ایران لازم است با عنایت به این تهدید، در جهت استیفای حق مشارکت سیاسی خود و حضور حداکثری در انتخابات

تلاش نموده تا زمینه سوء استفاده‌های سیاسی و حقوقی ذی‌نفعان داخلی و خارجی مسدود گردد و میدان رقابت انتخاباتی برای برخی از داوطلبان فاقد صلاحیت‌های عمومی و تخصصی سخت‌تر و شفاف‌تر شود.

ابوالفضل قوی‌البینه

دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه عدالت



چگونگی تحقق انتخابات پرشور و مردمی

کلیدواژه حضور گسترده و پرشور مردم در انتخابات‌ها، مکرراً در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در سال‌های گذشته تکرار شده است. ایشان در بیانات گوناگون خود، حضور پرشور و مردمی در انتخابات را «نشان‌دهنده قدرت ملی»، «عمل صالح»، «نشانه اعتماد عمومی مردم»، «عامل افزایش عزت و اقتدار و آبروی ایران»، «نشانه وفاداری ملت ایران»، «مایه استمرار امنیت ملی و تضمین پیشرفت کشور» و «عامل حفظ کشور» دانسته‌اند.

در این خصوص وظیفه‌ای برای مسئولان کشور و خواص جامعه و وظیفه‌ای برای مردم وجود دارد که در صورت انجام این وظایف، می‌توان موجبات تحقق یک انتخابات پرشور و مردمی را در کشور فراهم نمود.

وظیفه مسئولین کشور و خواص جامعه این است که ضمن اینکه در چارچوب جهاد تبیین به بیان دستاوردهای جمهوری اسلامی در تأمین و حفظ امنیت کشور و تسریع در پیشرفت کشور می‌پردازند، نتایج مشارکت بالای مردم در انتخابات را به درستی توضیح داده و تبیین کنند تا تمامی آحاد جامعه از اثرگذاری حضور و مشارکت خود در انتخابات آگاه شده و نقش خود را صرفاً منحصر به تسهیل ورود جریانات سیاسی به مجلس نبینند، بلکه حضور و مشارکت در انتخابات را هم‌زمان به عنوان حق خود و نیز یک تکلیف ملی بدانند که ضامن پیشرفت، اقتدار و امنیت کشور خواهد بود.

عموم مردم از جمله مسئولین نیز موظف هستند از باب امر به معروف و نهی از منکر، شرکت در انتخابات را که در بیان مقام معظم رهبری به یک عمل صالح تعبیر شده که مایه ناامیدی دشمن است، به یکدیگر توصیه کنند و سعی کنند که جامعه اطراف خود را در این مسیر با خود همراه نمایند. ایشان در این باب می‌فرمایند: «هر کسی صدایی دارد، هر کسی زبان گویایی دارد، هر کسی مخاطبی دارد، هر کسی می‌تواند اثر بگذارد، باید روی این زمینه کار کند: وَ تَوَاصُوا بِالْحَقِّ؛ این حق است. تواصی به حق و وظیفه همه است.»

سیدعلی میرزوحی

دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه و مدرسه عالی شهید مطهری (ع)



اولویت مغفول مانده در اجرای سیاست‌های کلی انتخابات

روی زمین ماندن سیاست‌های کلی انتخابات نقطه‌ضعفی ۶ ساله است که ارثیه مجلس دهم محسوب شده و حال با نزدیک شدن به روزهای پایانی مجلس یازدهم هنوز این ضعف حل نشده باقی مانده است. رهبر معظم انقلاب در آخرین دیدار خود با نمایندگان در خردادماه سال ۱۴۰۱ قانونگذاری براساس سیاست‌های کلی را وظیفه مجلس دانسته و سیاست‌های کلی انتخابات را به عنوان یک نمونه از سیاست‌هایی که برای آن قانونی تدوین نشده مثال زدند. حال اگرچه نمایندگان برای تعیین تکلیف سیاست‌های کلی انتخابات چندین طرح را برای اصلاح نظام انتخابات مجلس در دستورکار قرار داده‌اند اما باید دید تا چه اندازه این طرح‌ها در راستای سیاست‌های کلی انتخابات حرکت کرده و اهداف آن را محقق می‌کند.

بی‌توجهی به بند یک سیاست‌ها

اگر بخواهیم ترتیب را مبنای اهمیت بندهای سیاست‌های کلی انتخابات قرار دهیم، طبعاً مهم‌ترین بند، بند یک این سیاست‌هاست. مطابق این بند: «حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی باید بر مبنای جمعیت

و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر به‌گونه‌ای تعیین شود که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد. علی‌رغم اینکه بازنگری و تعیین حوزه‌های انتخاباتی مهم‌ترین عامل ایجاد عدالت انتخاباتی است اما تمرکز نمایندگان صرفاً روی چگونگی برگزاری انتخابات و بی‌توجهی به ایجاد تغییراتی مثبت در تعداد نمایندگان هر حوزه انتخابیه نشان از این امر دارد که اولویت اصلی سیاست‌های کلی انتخابات حداقل اولویت اصلی بهارستان نیست. مشاهده عدم توازن تعداد نمایندگان به نسبت جمعیت هر حوزه نشان از وجود یک بی‌عدالتی بزرگ انتخاباتی دارد و طبعاً هر طرحی که برای اصلاح نظام انتخابات مجلس پیشنهاد می‌شود باید ایده‌ای برای از بین بردن این ضعف نیز داشته باشد. اغلب استان‌های کشور نسبت به جمعیت خود از ملازاد نماینده برخوردارند. کم جمعیت‌ترین حوزه انتخابیه کشور، حوزه انتخابیه اردستان در استان اصفهان است که ۱۰۵/۴۲ نفر جمعیت دارد، درحالی‌که پرجمعیت‌ترین حوزه انتخابیه کشور با یک نماینده حوزه انتخابیه شهریار، قدس و ملارد در استان تهران است که ۱/۴۳۸/۱۳۸ جمعیت دارد. به سخن دیگر پرجمعیت‌ترین حوزه انتخابیه کشور با یک نماینده، ۳۴ برابر کم جمعیت‌ترین حوزه انتخابیه کشور جمعیت دارد.

مهم‌ترین مانع حل مشکل ناترازی

در بسیاری از مناطق کشور درست یا غلط در نگاه مردم نماینده مجلس تنها پل دسترسی به حاکمیت تعریف می‌شود و نمی‌شود بدون اقناع افکار عمومی دست به حذف آن زد طبیعتاً نباید توقع داشت اقناع افکار عمومی به راحتی و با چند سخنرانی صورت گیرد. حل چالش‌های این چنینی نیازمند رسیدن مردم به یک بلوغ سیاسی است تا در نتیجه درک درست از جایگاه نماینده مجلس اصلاحات ساختاری نظیر تغییر در تعداد نمایندگان نیز راحت‌تر قابلیت انجام داشته باشد. وجود چالش‌های امنیتی اگرچه کنار گذاشتن اقدامات اصلاحی ضربتی را توجیه می‌کند اما توجیه کافی برای انفعال در اجرای تدریجی عدالت سیاسی محسوب نمی‌شود. زمانی می‌توان به رشد تدریجی بلوغ سیاسی مردم برای اجرای اصلاحات اساسی بیشتر امیدوار بود که سیاستگذاران با شجاعت قدم در مسیر اصلاح گذاشته و با اجرای اقدامات غیر چالش‌برانگیز به مرور شیرینی این امر را به مردم بچشانند.

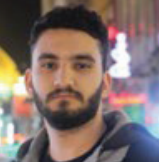
یک پیشنهاد برای کاهش ناترازی نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان

استفاده از قانون برای افزایش تعداد نمایندگان و اختصاص نمایندگان افزایش یافته به حوزه‌هایی که به نسبت جمعیت خود تعداد نماینده کمتری دارند یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای بهبود وضعیت عدالت سیاسی در انتخابات مجلس است. مطابق اصل ۶۴ قانون اساسی سال ۱۳۵۸: «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ۱۰ سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود.» اجرای این اصل اما با چند چالش اساسی مواجه است. مشخص نبودن حدنصاب جمعیتی برای داشتن یک نماینده در کنار کلی بودن معیارها و مشخص نبودن شاخص‌های آنها و میزان تأثیر عوامل سیاسی و جغرافیایی و نظایر آن، اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخاباتی و افزایش نمایندگان را با چالشی جدی مواجه ساخته و رسیدن به توافق درباره اینکه هر ۱۰ سال، ۲۰ نماینده - طبق اصل ۶۴ قانون اساسی - به کدام حوزه‌ها تعلق گیرد را دشوار کرده است. به‌گونه‌ای که تنها و آخرین بازنگری در تعداد نمایندگان مجلس در سال ۱۳۷۸ صورت گرفته و پس از آن و با گذشت ۲۳ سال تغییری در تعداد نمایندگان داده نشده است. تاکنون در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مقرر قانونی وجود ندارد که عوامل مطرح در اصل ۶۴ قانون اساسی را تعریف عملیاتی کند و برای آنها شاخص‌های دقیق و قابل سنجش تعیین کرده و وزن و سهم هرکدام را در ترسیم مرزهای

حوزه‌ها و تعداد نمایندگان تعیین کند. با وجود اینکه در بند «یک» سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام‌معمظم‌رهبری بر «جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» به‌عنوان مبنایی برای حوزه بندی «به‌گونه‌ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد» تأکید شده، اما حداقل تعداد جمعیت برای داشتن یک نماینده و میزان مجاز آن در قانون تعیین نشده است که باید در قالب یک مقرر قانونی تعیین شود. همچنین «مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» نیز نیازمند تعیین دقیق شاخص‌ها در قالب همین مقرر قانونی است.

علی کمالی

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



پاسخگویی شورای نگهبان نسبت به رد صلاحیت کاندیداهای انتخابات

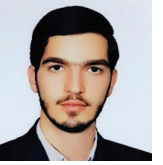
یکی از موارد نظارت شورای نگهبان، تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات است. در اکثر کشورهای قانونمند دنیا قانونگذار شرایطی را برای نامزدهای انتخاباتی تعیین کرده است تا هرکسی با هر سابقه و سنی نتواند در معرض رأی مردم قرار گیرد؛ زیرا انتخابات یکی از راه‌های رسیدن به قدرت در جامعه است و اگر فردی با سابقه مجرمانه قدرت را در دست گیرد خسارات زیادی را به جامعه و مردم تحمیل خواهد کرد. چنانچه شرایط و مقرراتی برای کاندیداهای انتخابات وضع شد حتماً باید نهادی هم باشد تا بر اجرای صحیح و تطابق درست این قوانین و مقررات نظارت نماید. این نهاد در کشور ما شورای نگهبان نام دارد که طبق اصل ۹۹ قانون اساسی امر نظارت بر انتخابات‌ها بر عهده‌اش می‌باشد. یکی از مهم‌ترین وظایف شورای نگهبان در انتخابات‌ها تطبیق شرایط و مقررات با داوطلبان نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری است و از انتقادهایی که به شورای نگهبان می‌شود مسأله عدم پاسخگویی شورا نسبت به اعمال و تصمیمات خود است. این انتقاد بی‌اساس است زیرا شورای نگهبان نسبت به اعمال خود در تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات پاسخگوست و نامزدهای رد صلاحیت شده با استناد به قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در تمامی انتخابات‌ها می‌توانند دلیل رد صلاحیت خود را از شورای نگهبان مطالبه کنند و اینطور نیست که این شورا نسبت به اعمال خود مصونیت داشته و پاسخگو نباشد.

طبق قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در تمامی انتخابات‌ها مراجع رسیدگی کننده به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده مکلف‌اند به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده دقیقاً رسیدگی نموده و نتیجه را به داوطلب مجریان انتخابات اعلام نمایند. در صورت تقاضای داوطلبان رد صلاحیت شده اولین مرجع رسیدگی کننده به شکایات، حسب مورد موظف است توضیحات و دفاعیات آنان را استماع نماید.

با استناد به بند (ب) قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده، در موردی که دلایل و مدارک با عفت عمومی و یا هتک حیثیت اشخاص مرتبط می‌شود، چنانچه شخص داوطلب در معرض هتک باشد دلایل و مدارک حضوراً به اطلاع وی می‌رسد و در صورتی که پس از اطلاع حضوری، فی‌المجلس به طور کتبی تقاضا کند دلایل و مدارک مربوط، بصورت کتبی به وی ابلاغ می‌شود. همچنین در بند (ج) این قانون آمده است که چنانچه ذکر دلایل و مدارک علاوه بر هتک حیثیت داوطلب متضمن هتک فرد یا افراد دیگر باشد، دلایل و مدارک فقط حضوری به اطلاع داوطلب می‌رسد.

علیرضا میرزایی

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی انتخابات (۱۳۹۵)

مستند به بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله وظایف و اختیارات مقام رهبری تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص

مصلحت نظام می‌باشد که در طول سالیان پس از انقلاب اسلامی در ایران، مصادیق متعددی را می‌توان برای آن بر شمرد. از جمله مهم‌ترین و حیاتی‌ترین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به سیاست‌های کلی انتخابات مصوب ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ اشاره کرد. در این یادداشت قصد داریم پس از گذشت ۷ سال از ابلاغ این سیاست‌ها، برخی از بندهای هجده‌گانه آن را از لحاظ ارزیابی عملی و اجرایی، با نگاهی واقع‌بینانه مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم:

۱- با توجه به بند اول این سیاست‌ها که مقرر می‌دارد: "تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر به‌گونه‌ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد." و از طرفی با عنایت به اصل ۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که بر اساس آن نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نمایند به تعداد نمایندگان اضافه کنند، اما متأسفانه پس از اصلاحات سال ۱۳۷۸، علی‌رغم تأکید رهبری معظم انقلاب بر این موضوع، شاهد هیچ‌گونه اقدام جدی و منتج به نتیجه‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی نیستیم؛ و صرفاً تنها عملکرد مهمی که در این رابطه تحقق پیدا کرده است، منحصر در طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان می‌شود که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۸ اعلام وصول شده است. اما مع الاسف نمایندگان در نشست علنی (دوشنبه ۲۰ شهریور ماه) مجلس شورای اسلامی با درخواست مسکوت ماندن طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها با ۱۳۲ رأی موافق، ۶۴ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۳ نماینده حاضر در جلسه موافقت کردند.

۲- از دیگر بندهای سیاست‌های کلی انتخابات که می‌توان گفت مورد توجه مسئولین مربوطه قرار گرفته است، بند ۳ آن است که مقرر می‌دارد: "بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صدا و سیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور" حال مستنداً به تبصره ۲ ماده ۶۴ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که بیان می‌دارد: "سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در چهارچوب امکانات در حوزه زیرساخت‌های تولید این سازمان (از قبیل تجهیزات تصویربرداری، صدابرداری و استودیو)، به صورت مساوی به همه نامزدها در تولید محتوا کمک کند. این امر با نظارت و مطابق با برنامه زمان‌بندی هیئت استانی بررسی تبلیغات انجام می‌شود."

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و حسب اظهارات مسئولین صدا و سیما، در راستای تسهیل و عدالت تبلیغاتی؛ سازمان مربوطه مبتنی بر عدالت محوری، اقدام به تأسیس ۲۰۰ شبکه انتخاباتی جهت بهره‌مندی داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی از امکانات تبلیغی صدا و سیما به صورت برابر کرده است.

از طرفی مستند به ماده ۷۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که مقرر می‌دارد: "در راستای بند (۳) سیاست‌های کلی انتخابات و به منظور ایجاد عدالت انتخاباتی، نهادها و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، یک ماه قبل از شروع تبلیغات انتخاباتی فهرست و مشخصات کامل امکاناتی که عرفاً می‌توان از آنها برای تبلیغات عمومی در انتخابات استفاده کرد و برنامه زمان‌بندی پیشنهادی خود را در اختیار هیأت استانی بررسی تبلیغات قرار می‌دهند. این هیأت موظف است حداکثر دو هفته قبل از شروع تبلیغات، فهرست امکانات، تسهیلات و برنامه زمان‌بندی، هزینه استفاده از آنها و نحوه مراجعه نامزدها برای استفاده را مبتنی بر اصل برابری فرصت تبلیغاتی و عدالت انتخاباتی حسب هر حوزه انتخابیه براساس آیین‌نامه موضوع این ماده که حداکثر دو ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، به اطلاع نامزدها برساند."

استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات نهادها و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری جهت بهره‌مندی نامزدها مبتنی بر اصل برابری فرصت تبلیغاتی و عدالت انتخاباتی پیش‌بینی

شده است که این موضوع در راستای تحقق مفاد بند ۳ سیاست‌های کلی انتخابات، گامی رو به جلو محسوب می‌شود. با این حال در آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز به صراحت به این موضوع اشاره شده است و براساس مواد ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴ سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و زیرمجموعه‌های استانی و شهرستانی آن، شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور و نهادها و دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند در صورت وجود امکانات و ظرفیت‌های تبلیغاتی آنها را به نحو مقتضی در آیین‌نامه مذکور جهت عدالت تبلیغاتی در اختیار نامزدها قرار دهند.

۳- بند دیگری که در طول سالیان پس از ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات مورد توجه قرار گرفته است، بند ۴ می‌باشد؛ که مفاد آن بدین شرح است: "تعیین حدود و نوع هزینه‌ها و منابع مجاز و غیرمجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و تشکل‌های سیاسی و اعلام به مراجع ذیصلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی" که با توجه به بند مذکور، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی را در دوازده ماده و چهارده تبصره به تصویب رساند که ماده ۲ قانون سابق الذکر اشعار می‌دارد: "هیچ شخص و یا نامزدی نمی‌تواند اقدام به دریافت یا پرداخت کمک مالی نقدی یا غیرنقدی جهت تأمین منابع مالی فعالیت‌های انتخاباتی و هزینه‌کرد آنها نماید، مگر به صورتی که در این قانون مقرر شده است"

بر همین اساس می‌توان اذعان داشت که هدف اصلی قانون مذکور تحقق بند ۴ سیاست‌های کلی انتخابات است و از این منظر، رشد چشمگیری در راستای عملیاتی شدن بخشی از مفاد سیاست‌های کلی انتخابات، محسوب می‌شود.

خطر خطر DANGER

فساد مُسَاد

خطر خطر DANGER

اولین دوره تخصصی مبارزه با فساد

همراه با کارگاه‌های بررسی پرونده‌های محرمانه مفاسد اقتصادی، مالی و اداری

با حضور اساتید محترم:

- دکتر محمد رضایی، دکتر محمود حکمت‌نیا، دکتر غلامعباس ترکی
- دکتر سیدمحمد مهدی غمami، دکتر سیداحمد حبیب‌نژاد، دکتر سیدعلی کاظمی
- دکتر عباس میرشکاری، دکتر صالح امیری، دکتر محمدحسین پور
- دکتر محمد امین کیخای فرزانه، دکتر مصطفی منصوریان، آقای یحیی اکبری

محورهای دوره:

- مفهوم فساد و مبانی نظری آن، سیاست‌ها و نهادها مل مبارزه با فساد، بازخوانی چالش‌های تحقیقی مبارزه با فساد
- پیشگیری از فساد و سازکارهای آن در جمهوری اسلامی ایران، نقش فناوری‌های نوین و سیستم‌ها در پیشگیری و مبارزه با فساد

مهلت ثبت نام: ۲۸ دی ماه ۱۴۰۲ الی ۹ بهمن ماه ۱۴۰۲

زمان برگزاری اختتامیه دوره: هفدهم اسفند ماه ۱۴۰۲

شماره تماس جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر: (پایه‌راسان) ۰۹۹۲۹۷۵۷

اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام برگزار می‌کند:

منطق نود حمایت از فلسطین

با محوریت بررسی ابعاد مختلف جنایت رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه |

با حضور:

- دکتر محمد اصغری
- دکتر سید محمد مهدی غمami
- دکتر محمدی مهدی زاهد

مختص مطالعات میان‌رشته‌ای حقوق

میان تحقیقات آموزش حقوق شهروندی معادلت حقوقی راست‌گویی

شنبه ۴ آذر ماه ۱۴۰۲

ساعت ۱۸:۳۰

سالن شهید مطهری

این نشست به نحوی برگزار می‌شود که کمترین تداخل را با زمان هیئت مذاکت داشته باشد

معاونت حقوق مالی اندیشکده حقوق بشر و شهروندی با همکاری اندیشکده حقوق بشر دانشگاه امام صادق (ع) برگزار می‌کند:

نشست مالیات بر تراکنش‌های بانکی

دکتر **حجت‌الله فرزانی**

مدرس سابق دفتر بازرسی و مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان امور مالیاتی کشور

جناب آقای **وحید عزیززی**

مدیرکل سابق دفتر بازرسی و مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان امور مالیاتی کشور

شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲ ساعت ۱۹:۳۰ دانشگاه امام صادق (ع) سالن شهید مطهری

اندیشکده حقوق بانکی با همکاری اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام برگزار می‌کند:

مبارزه با پول‌شویی و نقض حقوق شهروندی در نظام بانکی

کرسی ترویجی

دکتر **اسرار محمدی**

مدیرکل اندیشکده حقوق بانکی عضو هیئت مدیره بانک صادرات

دکتر **سیدمحمد مهدی غمami**

مدیرکل تحقیقات آرایشی و حقوق شهروندی معاونت حقوقی بانک صادرات مدیرکل اندیشکده حقوق بشر و شهروندی

جناب آقای **صغرا احمدی**

پژوهشگر حقوق کیفری

یکشنبه ۲۲ دی ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۱ الی ۱۱ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام سالن شهید مطهری (رو) کلاس ۱۱۳